



«حلقات»

درس صدوسی و دوم

استاد: حجت الاسلام والمسلمین علم الهدی

آموزشیار: آقای پیشوایی

بحث ما درباره وسایل اثبات وجدانی دلیل شرعی بود . وسایلی که به صورت قطع و یقین ما را به دلیل شرعی می رساندند. اولین راه اثبات دلیل شرعی تواتر بود که بحث در باره خبر متواتر و ضابطه ها و انواع آن گذشت. دومین وسیله اثبات وجدانی و قطعی دلیل شرعی اجماع می باشد. که در این درس در مورد انواع آن و مبانی حجیت آن بحث می کنیم.

الإجماع يبحث عن حجته في إثبات الحكم الشرعي، تارة على أساس حكم العقل المدعي بلزوم تدخل الشارع لمنع الاجتماع على الخطأ، و هو ما يسمى بقاعدة اللطف.

و أخرى على أساس قيام دليل شرعي على حجية الإجماع و لزوم التعبد بمفاده، كما قام على حجية خبر الثقة و التعبد بمفاده، و
ثالثة على أساس اخبار المعصوم و شهادته بان الإجماع لا يخالف الواقع، كما في الحديث المدعي لا تجتمع أمتي على خطأ.
و رابعة باعتباره كاشفاً عن دليل شرعي، لأن المجمعين لا يفتون عادة الا بدليل فيستكشف بالإجماع وجود الدليل الشرعي على
الحكم الشرعي.

و الفارق بين الأساس الرابع لحجية الإجماع، و الأسس الـ ثلاثة الأولى ان الإجماع على الأسس الأولى يكشف عن الحكم
الشرعي مباشرة، و اما على الأساس الرابع فيكشف عن وجود الدليل الشرعي على الحكم.
و البحث عن حجية الإجماع على الأسس الثلاثة الأولى يدخل في نطاق البحث عن الدليل غير الشرعي على الحكم الشرعي، و
البحث عن حجته على الأساس الأخير يدخل في نطاق إحراز صغرى الدليل الشرعي و يعتبر من وسائل إثبات هذا الدليل، و
هذا ما نتناوله في المقام.

انواع اجماع (با توجه به روش اثبات)

الف. اجماع محصل

گاهی فقیه خودش اجماع را تحصیل می کند. یعنی تمام نظرات و آراء فقها را بررسی می کند و درمی یابد که فقها بر یک نظر واحد اجتماع کرده اند.

ب. اجماع منقول

گاهی خود فقیه نظرات علما را بررسی نکرده است بلکه فقیه دیگری برای او نتیجه تحقیقات خود را نقل کرده و می گوید که همه فقها در این مطلب نظر واحد دارند.

مبانی حجیت اجماع :

۱. بر مبنای عقل

۲. بر مبنای شرع

۳. بر مبنای واقع

۴. بر مبنای عادت

۱. مبنای عقلی :

این نظریه را شیخ طوسی (ره) اختیار کرده است و اصطلاحاً به آن اجماع لطفی می گویند . بنابراین مبنا، عقل انسان بر طبق قاعده لطف حکم می کند وقتی که همه علما یک نظر را انتخاب کرده اند حتماً آن نظر صحیح است و حکم شرعی، مطابق با فتوای علمای امت می باشد.

صورت استدلال :

صغری: ممانعت از اجتماع امت بر خطا، لطف است.

کبری: لطف بر خداوند واجب است. (قاعده لطف)

نتیجه: ممانعت از اجتماع امت بر خطا بر خداوند واجب است که لازمه اش این است که اگر امت بر امری اجتماع کردند حتما خطا نیست و الا خداوند از آن ممانعت می فرمود.

قاعده لطف

خداوند متعال نسبت به بندگان خویش نهایت لطف را عنایت می فرماید . عقل ما این مطلب را درک کرده است؛ لذا هر چیزی که لطف باشد عقل ما حکم می کند که حتما خداوند آن را انجام می دهد.

یکی از الطاف خداوند بر بندگان، هدایت آن ها و جلوگیری از گمراهی آنان است . حال اگر تمام علماء و فقهای بزرگ امت در یک عصر اشتباه کنند و امت را به ضلالت بکشانند ، این امر بر خلاف لطف خداست . لذا هر گاه دیدیم در یک زمان تمام امت بر یک مسأله اتفاق دارند نتیجه می گیریم که حتما نادرست نیست و الا خداوند نسبت به اشتباه دسته جمعی عالمان واکنش نشان داده و این اشتباه را اصلاح می کرد . پس فتوای فقها درست و حکم خدا همان است که علما فرموده اند.

نکته

توضیحی در باره صغرای قیاس؛ چرا اجتماع امت بر یک مسأله، خلاف لطف است؟

فرض بر این است که تمام امت در باره یک مسأله به اشتباه افتاده اند و این به معنای از دست دادن مصلحت موجود در آن حکم و مبتلا شدن به مفاسد ترک حکم واقعی خدا می باشد؛ در حالی که خداوند راضی نیست که امت این مصالح را از دست بدهند و به مفاسد مبتلا بشوند. پس حتما از وقوع امت در چنین مهلکه ای جلوگیری می کند.

۲. مبنای شرعی و تعبدی

دومین راه اثبات حکم به وسیله اجماع، دلیل شرعی است. اجماع تمامی فقها برای ما مانند خبر ثقه یک ظن نوعی ایجاد می کند. اما اصل در ظنون عدم اعتبار است. لذا باید با استفاده از دلیل خاص، حجیت آن اثبات شود. قائلین به این نظریه برای حجیت اجماع ادله ای از کتاب و سنت نقل می کنند، همانگونه که برای حجیت خبر واحد، دلیل شرعی و تعبدی اقامه می کنند. پس اجماع هم یکی از راه های کشف حکم شرعی می باشد که با دلیل شرعی حجیت آن اثبات شده است.

۳. مبنای واقع و وجدان

قائلین به این مبنا فقط از اهل سنت هستند و در شیعه کسی این مبنا را قبول ندارد. این مبنا بر حدیثی از پیامبر (ص) مبتنی می باشد که می فرماید «لا تجتمع امتی علی الخطأ»؛ یعنی هیچ گاه امت من بر خطا اجتماع نخواهند کرد. در واقع این حدیث یک پیش بینی از حضرت رسول (ص) است که در آینده هیچگاه همه امت من بر خطا اجتماع نمی کنند. پس هرگاه همه امت بر امری اجماع کردند حتماً آن امر درست است. بنابراین برای امت عصمت خاصی - شبیه آنچه شیعیان در مورد امام معصوم قائل هستند - در نظر می گیرند. در نتیجه اگر تمام امت در عصری بر امری اجماع کردند حتماً آن امر حق است و حکم خدا همان است.

نکته

شیخ انصاری در باره این نظریه اهل سنت می فرماید: «الاجماع هو الاصل لهم و هم الاصل له»؛ یعنی اجماع اصلی ترین دلیل حقانیت اهل سنت می باشد و دلیل حقانیت اجماع هم آنان هستند. در نتیجه تمسک آنها به اجماع مبتلا به اشکال دور است. مدرک اصلی اهل سنت برای خلافت خلیفه اول، اجماع مسلمین است و این اجماع هیچ دلیلی جز این افراد ندارد؛ در حالی که تا قبل از ماجرای سقیفه، اجماع ارزشی نداشت. لذا این افراد به اجماعی تمسک می کنند که خودشان پشتوانه آن هستند.

۴. مبنای عادت

در این نظریه اجماع کاشف از وجود دلیلی بر حکم شرعی است به این صورت که ما می دانیم عادتاً فقها هیچ گاه بی دلیل فتوی نمی دهند. پس در مواردی که همه فقها با هم بر یک فتوی اجماع کرده اند حتماً دلیلی داشته اند. هرچند که ما آن دلیل و مدرک را در اختیار نداشته باشیم پس ما از عادت فقها کشف می کنیم که برای فتوایشان دلیل محکم و معتبری داشته اند که آن دلیل دال بر این فتوا بوده است.

بررسی نظریات:

این چهار نظریه هر کدام بر اساسی حکم شرعی را اثبات می کنند:

در وجه اول با استفاده از عقل، اجماع حکم شرعی را واقعی را اثبات می کند.

در وجه دوم، اجماع تعبداً حکم شرعی را برای ما اثبات می کند.

وجه سوم هم مانند وجه اول کاشف واقعی از حکم شرعی می باشد.

وجه چهارم اصولاً کاشف از حکم شرعی نیست بلکه کاشف از دلیل شرعی است که در اینجا وجود داشته است و آن دلیل شرعی، این حکم را اثبات می کند.

مختار مولف:

مرحوم شهید صدر (ره) مانند مشهور متأخرین به مبنای چهارم اعتقاد دارند و اجماع را عادتاً کاشف از وجود یک دلیل شرعی می دانند.

تفاوت مبنای چهارم با سایر مبانی

تفاوت اول: مبنای چهارم کاشف حکم شرعی نیست بلکه کاشف دلیل حکم شرعی می باشد.

تفاوت دوم به تقسیم بدی منابع احکام شرعی باز می گردد :

در سه قسم اول، اجماع دلیلی در کنار دلایل شرعی دیگر است. به این معنا که در مبنای اول اجماع، خود یک دلیل عقلی محسوب می شود. در مبنای دوم اجماع هم مانند کتاب و سنت به دستور معصومین (و لو به این معنا که وحدت جامعه حفظ شود و قول شاذی قائل پیدا نکند) مطرح می شود. در مبنای سوم هم خود امت یک راه برای کشف حکم می شوند. بنابراین طبق این سه مبنا، تقسیم مشهور که ادله احکام را چهار قسم می کند (کتاب، سنت، اجماع و عقل) معنا پیدا می کند. اما در مبنای چهارم، اجماع رکن چهارم نیست، بلکه اجماع مانند خبر واحد راه ی به سوی کشف سنت می شود، نه اینکه در کنار سنت، راهی مستقل باشد. در نتیجه بنابر مبنای چهارم، منابع احکام سه تا می شوند نه چهارتا و اجماع منبع مستقلی محسوب نمی شود.

۱. اجماع با توجه به شیوه اثبات آن بر دو نوع است: منقول و محصل.
۲. اگر فقیه خودش با تحقیق آراء فقها وحدت نظر آنان را بدست می آورد، اجماع را محصل می نامند.
۳. اگر فقیه خود اجماع فقها را بدست نیاورد بلکه فقیه دیگری مطلب را برای او نقل کند، این اجماع، اجماع منقول نام دارند.
۴. در مورد مبنای حجیت اجماع چهار نظریه ارائه شده است. که عبارت است از: عقل، شرع، واقع و عادت.
۵. مبنای عقل: عده ای با تمسک به قاعده لطف، اجماع تمام امت را بر خطا، خلاف لطف دانسته و آن را محال می دانند. لذا بر خدا لازم می دانند که مانع اجتماع امت بر خطا شود.
۶. اگر حجیت ظن حاصل از اجماع را با دلیل شرعی اثبات کنیم در آن صورت اجماع مانند خبر واحد یک اثبات کننده تعبدی حکم شرعی خواهد بود.
۷. اهل سنت اجماع را از باب اینکه حتما موافق شرع است، قبول دارند. آن ها به حدیثی از پیامبر (ص) تمسک می کنند که کل امت معصوم است و هرگز بر خطا و ضلالت اجتماع نمی کند.
۸. طبق چهارمین مبنا، حجیت اجماع، کاشفی تعبدی از دلیل شرعی می باشد.
۹. مبنای اول کاشف واقعی از حکم شرعی و مبنای دوم کاشف تعبدی حکم شرعی می باشد. مبنای سوم هم مانند اول کاشف واقعی حکم است، اما مبنای چهارم کاشف با واسطه حکم شرعی می باشد.
۱۰. طبق مبنای چهارم، اجماع یک دلیل مستقل در کنار عقل و کتاب و سنت نیست. بلکه مانند خبر واحد یکی از زیر مجموعه های سنت خواهد شد.